

آزمایشگاه بابا

مصاحبه اختصاصی زندگی سلام با «سرگی اربن»، پدری که فعالیت های علمی اش با همراهی ۲ پسر بچه اش در شبکه های اجتماعی حدود ۷/۵ میلیون دنبال کننده دارد



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۰

۱۴ شوال ۱۴۴۲ • ۲۶ می ۲۰۲۱

شماره ۳۰۶۶۹

۱۸۸۹



ترکس عزیزی | روزنامه نگار

پرونده

«آزمایشگاه بابا»، یا The Dad Lab یکی از صفحات پرطرفدار در اینستاگرام است. این صفحه در این شبکه اجتماعی یک میلیون دنبال کننده دارد. البته در دیگر شبکه های اجتماعی هم «آزمایشگاه بابا» شناخته شده است و به عنوان مثال در فیسبوک بالای سه میلیون و ۷۰۰ هزار دنبال کننده دارد. در کنار این دو، در یوتیوب هم بالای دو میلیون و ۷۰۰ هزار نفر، عضو کانال مربوط به این آزمایشگاه هستند. البته محتوا در همه این فضاها مشابه هم است. پدر جوانی که با دو پسر بچه خود، فعالیت های علمی و سرگرمی مختلفی را انجام می دهد و فیلم و عکس هایی با کیفیت از این فعالیت ها منتشر می کند. در پرونده امروز سراغ پدر پشت سر این صفحات رفته ایم. در این مصاحبه اختصاصی می توانید هم با «سرگی اربن»، آشنا و هم از داستان «آزمایشگاه بابا» ی او خبردار شوید. سرگی که البته کتاب پرفروشی هم در خصوص فعالیت های علمی با بچه ها دارد، در این گفت و گواز تجربه هایی گفته که می تواند به کار هر پدر و مادری بیاید.

پدر پشت سر «آزمایشگاه بابا» کیست؟

سرگی خودش را این طور معرفی می کند: «اسم من سرگی اربن است و پدر پشت سر اکانت «آزمایشگاه بابا» هستم. من در لیتوانی به دنیا آمده ام، زبان اول من روسی است. کمی بیشتر از ۱۰ سال قبل، من و همسرم به لندن آمدیم. پسران ما، الکس و مکس این جا به دنیا آمده اند. نکته بامزه در باره آن ها هم این است که آن ها دقیقا در یک روز اما با فاصله دو سال از همدیگر به دنیا آمده اند. الکس حالا ۹ ساله و مکس ۷ ساله است. کارشناسی ارشد در بازرگانی بین الملل دارم. شغلم در لیتوانی در حوزه بازرگانی خارجی و در زمینه واردات و صادرات میوه خشک و آجیل بود. بعد از مهاجرت به لندن هم کارم مشابه همین کار بود اما شرکتی که در آن کار می کردم، منحل شد. پس وارد حوزه جدیدی شدم و کدنویسی را آغاز کردم. سایت طراحی می کردم و مدیریت چند سایت را بر عهده داشتم.

در همین دوره نیز پدر شدم.

من دانشمند یا معلم

نیستم!

سرگی روی این موضوع تاکید دارد که او نه دانشمند است و نه معلم، حتی این نکته را همان بالای صفحه اینستاگرام خودش هم نوشته است. او در این باره می گوید: «من دانشمندی یا معلم نیستم. برخی افراد وقتی صفحه من را در اینستاگرام می بینند که یک میلیون دنبال کننده دارم، یا در یوتیوب چند میلیون عضو دارم و ... تصور می کنند من دانشمندم. نه! من تنها یک پدر معمولی هستم و این که دنبال کنندگان زیادی دارم، این واقعیت را که من هم مشابه بسیاری از پدران، همان مشکلات را دارم، تغییر نمی دهد. البته طی این سال ها من صدها آزمایش علمی انجام داده ام و در اینترنت درباره آن ها خوانده ام تا بفهمم که پشت سر این آزمایش ها، چه توجیه علمی وجود دارد اما در نهایت دانشمند نیستم و تنها یک فرد علاقه مند به مسائل علمی هستم.»

کودکی دشوار اما آموزنده ای داشتم

شاید برای تان جالب باشد که بدانید دوره کودکی آقای پدر چطور بوده است؟ آیا پدر او هم این طور وقت با او صرف می کرده؟ برای پاسخ به این سوالات از سرگی از دوره کودکی اش پرسیدم. سرگی آن روزها را این طور توصیف کرد: «وقتی حدودا ۷ ساله بودم، والدین من قطعه زمینی خریدند و تصمیم گرفتند که خانه ای در آن بسازند. ساختن این خانه، کاری بود که هر روز بعد از اتمام مدرسه و در تمام روزهای تعطیلات ما انجام می دادیم. پدر من استاد کار در این ماجرا بود. او معمار حرفه ای نبود اما تجربه ساخت و ساز داشت. من و برادر بزرگترم تجربه ای نداشتیم. پدرم به ما یاد داد که چطور دیوار بسازیم. این کاری بود که برای دوره ای به صورت روزانه انجام می دادیم. این تجربه به من کمک کرد تا برخی کارهای فنی را یاد بگیرم. این که چطور برخی وسایل را بسازم و بفهمم وسیله ها چطور کار می کنند و ...»

بعد از تولد فرزندانم، مسیر

زندگی ام تغییر کرد

سرگی این روزها پدری است که در خانه مسئول رسیدگی به بچه هاست و حتی شغل خود را هم مرتب با همین فعالیت هایی که با پسرانش انجام می دهد، تعریف کرده است. اما چطور شد که سرگی کار بیرون را کنار گذاشت و وارد این مسیر متفاوت شد؟ صاحب «آزمایشگاه بابا» داستان را این طور تعریف کرد: «پیش از تولد فرزندانم مدتی بود که در خانه کار می کردم و زمان کار کردنم هم دستم خالی بود. وقتی الکس، پسر اولم به دنیا آمد، شرایط شروع به تغییر کرد. دیگر در عوض صرف وقت زیاد برای کار، وقت کم تر صرف اومی کردم. نمی توانم بگویم که این تصمیمی بود که یک روز به صورت مشخص آن را گرفتم، بلکه در طول زمان و با پیش رفتن، آرام آرام از کار، به سمت صرف وقت با بچه ها کشیده شدم. بعد هم صفحه اینستاگرام را راه اندازی کردم. بعد از مدتی صفحه ام در اینستاگرام و دیگر شبکه های اجتماعی به کار تمام وقت من تبدیل شد و خوب این کمک خیلی خوبی بود. چون در عوض فکر کردن به کدنویسی و طراحی سایت و ... می توانستم روی طراحی فعالیت با بچه ها و فیلم گرفتن و ... تمرکز داشته باشم.»

داستان تولد «آزمایشگاه بابا»

سرگی داستان ساخته شدن آزمایشگاه بابا و بالا گرفتن کارش را این طور تعریف می کند: «حدود پنج سال پیش به عنوان سرگرمی، شروع به اشتراک گذاشتن کارهایی کردم که با فرزندانم انجام می دادم. گاهی هم اسباب بازی های جالبی که داشتیم، معرفی می کردم. بعد از مدتی، اینستاگرام امکانی فراهم کرد که همزمان با انتشار محتوا در اینستاگرام، همان محتوا در فیسبوک هم منتشر می شد. این قابلیت را هم فعال کردم. یک روز یکی از ویدئوهای من (ویدئوی رنگین کمان با اسما تیز) در فیسبوک وایرال شد. در یک هفته تعداد اعضای صفحه من چندین برابر شد. افراد به واسطه ویدئویی که وایرال شده بود، وارد صفحه من می شدند اما بعد سراغ ویدئوهای قبلی من هم می رفتند و آن ها را هم تماشا می کردند. این نقطه، جایی بود که ورق برگشت و فهمیدم داستان، سرگرمی نیست و می توانم این فعالیت را به کاری تمام وقت تبدیل کنم. همین کار را هم کردم. برای مدیریت بهتر صفحات دستیار گرفتم. بعد هم طی زمان با برندهای بزرگ مانند گوگل و لگو و ... قرارداد هایی بستم.» سرگی برای فعالیت هایش غالبا از وسایل ساده ای که در هر خانه ای پیدا می شود، استفاده می کند. در واقع این خلایق او در استفاده از وسایل دم دست است که کار او را متمایز کرده است. از او درباره منبع الهامش در طراحی فعالیت ها پرسیدم و سرگی پاسخ داد: «منبع الهام من فرزندانم هستند. بسیاری از فعالیت ها را متناسب با علایق فرزندانم طراحی می کنم. مثلا مکس به ماشین علاقه مند است، پس در آموزش اعداد برای او از ماشین استفاده کردم. روی ماشین ها برچسب هایی چسباندم که تعداد نقطه های روی آن ها متفاوت بود و مکس باید هر ماشین را در پارکینگ عددی مناسب خود پارک می کرد.» اگر کمی در صفحه آزمایشگاه بابا به پایین بروید، می توانید این آزمایش را پیدا کنید.

وقتی آزمایش علمی به فاجعه

منجر می شود

اگر شما هم مانند من یک والد باشید و دوست داشته باشید تا با فرزندان خود فعالیت های علمی انجام دهید، به خوبی می دانید که در زمان کار با بچه ها مسائل همیشه مطابق انتظار پیش نمی رود. از سرگی در این باره پرسیدم و این که آیا برای او هم چنین موقعیت هایی پیش می آید و اگر بله، او چطور با این موضوع کنار می آید؟ او گفت: «من یک پدر معمولی هستم. بچه هایم هم بچه هایی معمولی هستند. برای همین هم بله، نتیجه بعضی آزمایش ها برای ما هم تبدیل به فاجعه می شود. پیشنهاد من به والدین این است که اگر نتیجه فاجعه بار باشد، دست کم سعی کنید چهره هیچان زده ای نداشته باشید چرا که اگر قرار باشد عصبانی شوید، آن وقت بچه دیگر تمایلی به انجام کار نخواهد داشت. در عین حال باید برای برخی موضوعات خودتان را قبل آماده کنید: برای کثیف کاری، برای این که فرزندان کارها را مطابق انتظار شما انجام ندهد، برای این که حتی فرزندان تمایلی به انجام کار با شما در آن زمان نداشته باشد. انتظارات شما هر چه پایین تر باشد، نتیجه بهتری خواهید گرفت.» سرگی آن طور که خودش می گوید مسئول رسیدگی به امور روزمره و آموزش فرزندان شان است. در همین راستا هم سراغ این فعالیت ها رفته است اما در این بین تعریف او از هدفش، ظرافت خاصی دارد. او معتقد است به وقت طراحی فعالیت ها همیشه به دنبال آن نیست که فرزندان دست مطابق دستور العمل های او کار را پیش ببرند. او می گوید: «به عنوان والد باید به یاد داشته باشیم که هدف این فعالیت ها این نیست که مثلا «بچه این وسیله را بالا بکشد!» بلکه هدف آن است که «کنجکاوی بچه تحریک شود».

از داشتن تلویزیون و تبلت راضی هستیم

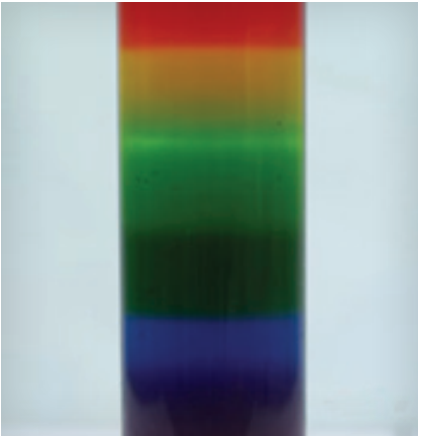
اگر برای شما سوال است که در روزگار کرونا و در خانه ماندن، چطور می شود بدون داشتن تلویزیون کودکان را در خانه نگه داشت، پس این بخش از صحبت های سرگی به کار شما خواهد آمد: «وقتی همسرم باردار بود، من و همسرم از یک آپارتمان میله به یک خانه غیر میله وبدون وسایل آمدم، چرا که به فضای بیشتری برای زندگی نیاز داشتیم. آن زمان باید همه وسایل از جمله تلویزیون را می خریدیم. من دوست داشتم تلویزیونی با فناوری های جدید بخرم اما همسرم مخالف بود. ماجرای خرید طول کشید و در نهایت دیدیم نخریدن آن، تصمیم درستی بوده. چرا که میزان زمانی که تلویزیون از ما، بدون این که متوجه شویم، می گیرد، بسیار زیاد است. در بُعد فرزندپروری هم داشتن تلویزیون مشکلات خودش را دارد چرا که دسترسی به تلویزیون برای بچه ها خیلی راحت است. البته بچه ها در خانه ما با لپ تاپ کارتون تماشا می کنند اما فقط آخر هفته ها. در مقابل اما هر زمان بخواهند می توانند کار دستی درست کنند، وسایل همیشه در دسترس آن هاست، و اولین که ریخت و پاش دارد. موضوع دیگر کتاب است. بچه ها کتاب دوست دارند. وقتی می خواهند سرگرم بشوند، کتاب می خوانند. نکته ای که هست این که جامعه به سمتی رفته انکار قرار است همه بچه ها وسایلی مانند تبلت و ... داشته باشند. اما برخی تجاربی که بچه ها با تبلت به دست می آورند، خیلی خوب نیست. ما در خانه خودمان، در عوض خریدن تبلت، کتاب خوان الکترونیکی قدیمی همسرم را به آن ها داده ایم. به این ترتیب علاقه برای در اختیار داشتن فناوری های جدید در بچه ها به سمت کتاب خواندن رفته است.»

ترین های آزمایشگاه بابا

پربیننده ترین ویدئو | پربیننده ترین ویدئو در یوتیوب آزمایشگاه بابا، مربوط به آزمایشی است که با پنچ بطری آب انجام می شود. در این آزمایش الکس (پسر بزرگ تر سرگی) یک به یک بطری ها را بلند می کند و تکان می دهد. رنگ آب درون بطری ها با تکان داده شدن، تغییر می کند و هر کدام به رنگی در می آید. این آزمایش که بیش از ۲۰۰ میلیون بار در یوتیوب دیده شده است، توضیح بسیار ساده ای دارد. اگر دوست دارید چرایی این ماجرا را بدانید، پیشنهاد می کنیم اصل ویدئو را در یکی از صفحات آزمایشگاه بابا پیدا کنید و به تماشا بنشینید.



معروف ترین ویدئو شاید بشود معروف ترین آزمایش سرگی را آزمایشی دانست که با کمک اسما تیز های رنگی، تابستان پنج سال قبل انجام داد و باعث شد که به ناگهان با دست به دست شدن ویدئوی مربوط به آن، آزمایشگاه بابا اسم و رسمی پیدا کند. نکته جالب در باره این آزمایش اما موضوعی است که سرگی در این مصاحبه به آن اشاره کرد: «فرزندانم با این آزمایش موضوع مهمی را یاد گرفتند: این که می شود آبنبات و شیرینی را نخورد و در عوض از آن ها به عنوان وسیله ای برای یادگیری استفاده کرد.» پیشنهاد می کنیم این تابستان زمانی را برای انجام این آزمایش و دیگر فعالیت های این پدر خوش ذوق اختصاص دهید.



چالش برانگیز ترین آزمایش سرگی می گوید چالش برانگیز ترین آزمایشی که انجام داده آزمایشی مربوط به غلظت بوده است. در این آزمایش او با ترکیب آب، رنگ خوراکی و مقداری نمک در پی ایجاد محلول هایی با غلظت های متفاوت بود. او در پنج لیوان، مقدار ثابتی آب با میزان متفاوتی نمک ریخته بود. آب هر لیوان هم با کمک رنگ های حلال در آب، رنگی شده بود. طبق ایده اولیه قرار بوده با ریختن لایه به لایه آب های رنگی در لیوانی بزرگ تر، رنگین کمانی از رنگ ها ایجاد شود، اما در نوبت اول نتیجه مخلوطی قهوه ای بوده است، چرا که در زمان ریختن آب ها داخل لیوان بزرگ تر، آن ها با هم مخلوط می شدند. سرگی در نهایت راه حلی با وسایلی که در خانه داشته، پیدا می کند.